

هوالمحبوب

## رسیده بود بلائی ولی عجیب گذشت

اندر حواشی و متن کنکور مرحله اول ورود به مراکز

راهنمایی سمپاد برای سال تحصیلی ۸۸-۱۳۸۷

به جدّ و جهد چوکاری نمی رود از پیش      به کردگار رها کرده به ، مصالح خویش

«حافظ»

○ هیچ کس نمی تواند منکر شود که:

۱. در تأسیس سازمان ملی پرورش استعدادهای درخشان (سمپاد)، پیشنهادکننده، قانون گزار یا آموزش و پرورش نبوده است و حتی نیازهای اولیه لازم برای تأسیس سمپاد فراهم نشده بود، به طوری که در سال اول تأسیس مراکز در کرمان و همدان (۱۳۶۶) سمپاد حتی بودجه برای پرداخت حق التدریس چند کلاس شکل گرفته اش نداشت. لذا وقتی آموزش و پرورش همدان از پرداخت حق التدریس کلیه مدرسین مراکز سمپاد این شهر (شامل فقط ۴ کلاس) خودداری کرد، رئیس سمپاد از دسته چک شخصی خود آن را به صورت مدت دار پرداخت و چون در حسابش پولی نبود، جهت تأمین آن از «مازاد بر حج» وزارت ارشاد یاری جست تا سال اول زندگی این کودک غریب به اضطراب چگونگی حل مشکلات اولیه به پایان رسد.

۲. اما در واقع سمپاد براساس این هدف بنیان نهاده شد که به دوران «ضعیف نوازی آموزشی» نقطه پایانی زده شود (مصوبات آموزش و پرورش و وزارت علوم در این زمان عمدتاً بر امتیازهای پی در پی به درس نخوانها، تک ماده کردن و تمدید دوره، مبتنی بود). لذا تمام تلاش ها براین محور قرار گرفت که استعدادی در حوزه برگزاری آزمون سمپاد از قلم نیفتد. تمام تغییرات صورت گرفته در نحوه تنظیم سؤالات مربوط به گزینش دانش آموزان سرآمد، تعداد

سؤالات، مواد آموزشی مورد استناد سؤالات، چند مرحله‌ای کردن آزمون، حذف آزمون‌های هوش، سمت‌گیری به سوی پرسشهای خلاقانه و حرکت به سوی مناطق محروم به همین خاطر صورت گرفت و تا امروز ادامه یافت.

۳. این حرکت، تهران را از قطب بی‌رقیب موفقیت‌های علمی ایران خارج کرد و شهرستانی‌های روحیه یافته، در یک رقابت علمی بسیار ارزشمند، توانستند سهم خود را از تهرانی‌های دارای امکانات بیشتر، دریافت کنند.

۴. مدعای ما در این مورد اینست که در برخی شهرها (حتی شهرهای بزرگ) که اقدامی بنیادین جهت این رویکرد - یعنی پرورش استعدادها - صورت نگرفته بود، با وجود برگزاری مسابقات علمی و المپیادها و در سالهای نخستین بدون حضور سمپاد، موفقیت برون مرزی بسیار محدودی را برای شهرستانی‌ها شاهد بودیم. نمونه این مسئله، وضعیت شهرهای اصفهان و مشهد است که اولی از آغاز مسابقات بین‌المللی دانش آموزی تا کنون تنها دو مدال جهانی و دومی ۳ مدال جهانی از داوطلبان خارج از سمپادش داشته است (در حالی که المپیادها چندین سال قبل از ورود دانش آموزان سمپاد به این حوزه، برگزار می‌شدند). در حالی که تا سال ۱۳۸۶ مراکز سمپاد اصفهان ۲۹ مدال و مشهد ۲۳ مدال جهانی کسب کرده‌اند.

۵. در سال‌های اخیر موفقیت سمپادها حتی به رشته ادبی هم کشیده شد، به طوری که از ۱۴ طلای ادبی کشوری ایران در سال ۸۶ (با وجودی که فقط ۵ درصد از کل داوطلبان این المپیاد سمپادی بودند و با وجود حضور فعال دبیرستان‌های خوب فرهنگ)، موفق به کسب ۵ طلای این رشته شدند و در سال ۱۳۸۵ هم از ۱۸ طلای کشوری ادبی، ۶ طلا سهم سمپادها شد.

۶. سمپاد اصولاً: الف) مدعی نبوده است که دایره فعالیت‌های آموزشی پیشرفته در انحصار اوست، لذا به هر مرکز آموزشی که در این راستا بدون دروغ پردازی و شانناژ کار کند، از صمیم قلب ارج می‌نهد؛ ب) در جستجوی راهکارهایی بوده است که بتواند مانع ورود دوپینگی‌ها شود. این دوپینگی‌ها همان‌ها هستند که با پرداخت و جوه سرسام‌آور در برخی از شهرهای بزرگ و کوچک ایران، اذن دخول غیر مجاز به سمپاد را طالبند. شرکت‌های مضاربه‌ای از این دست، بدون این که به معرفی افراد «دوگانه سوز» (قبول نشدگان و پول دادگان) بپردازند، صرفاً در ویتترین برترین‌های خود اسامی کسانی را می‌نهند که «توان شخصی» ورود به مراکز سمپاد را به صورت طبیعی دارند و این هزینه‌ها هم نقش بنیادین در قبولی آنها ندارد. حال تصور کنید اگر یک مرکز بساز و بفروش یا یک مرکز آموزشی با نتایج خوب ۱۵۰ داوطلب خود را امید قطعی دهد که در کنکور سمپاد قبول خواهید شد و ما فقط ۴۸ نفر پذیرش داشته باشیم و باید پاسخگوی

چند مرکز نظیر این مرکز هم باشیم، چه باید بکنیم؟

۷. با این اوصاف، اولین مرجعی که نگران بروز خطا در کنکور سمپاد است، خود «سمپاد» است. این که به قول معترضین، «خنگ‌ها» در مرحله اول و «متوسط‌ها» در مرحله دوم کنکورهای سمپاد پذیرفته می‌شوند و «تیزهوشان» واقعی محروم می‌مانند، محور نامه‌های اعتراض آمیز در طول این بیست سال بوده است. حتی یکی از مدیران قدیمی سمپاد که یکسال به صورت مکتوب، نظرش را این چنین اعلام نموده بود، وقتی چند سال بعد مدرسه‌اش بهترین موفقیت‌های ملی و جهانی را کسب کرد، در مکتوبی دیگر عذر خواهی نمود و براین حوصله چند ساله ما در مقابل غرغر کردنش در سمینارهای سالیانه مدیران، درود فرستاد؛ هر چند ما نیازمند درودش نبودیم، فقط می‌خواستیم او در کارش تردید نداشته باشد.

۸. به استناد بند قبلی در وهله اول این سمپاد است که در جستجوی دانش آموزان ناب است و اگر این جستجوگری نبود، همه ساله در صد کسب مدال‌های جهانی‌اش (که آزمون‌های آن در حوزه‌ای غیر از سمپاد برگزار می‌شود و اصولاً مسئولین سمپاد در هیچ قسمت از باشگاه گزینش‌کننده و اعزام‌کننده دخالتی ندارند) افزون نمی‌شد. ۱۲۰ مرکز سمپاد در مقابل بیش از ۲۵ هزار دبیرستان سراسر کشور و مدارس بسیار قدرتمند و مرفه غیر انتفاعی که برخی از آنها چک سفید برای تربیت المپیادی به مریبان خود می‌دهند، در طول حیات خود موفق شده‌اند ۷۸ مدال طلای جهانی از ۹۶ مدال، ۱۴۰ مدال نقره جهانی از ۱۷۹ مدال و ۶۵ برنز جهانی از ۹۸ مدال و در مجموع ۲۸۳ مدال جهانی از ۳۷۳ مدال را (۷۶ درصد) به خود اختصاص دهند. مگر می‌شود با «ضعیف‌گزینی» و «متوسط‌گزینی» چنین موفقیت گسترده‌ای داشت و در مقابل اینهمه مرکز آموزشی جورواجور قد علم کرد.

۹. حدود چهار صد معترض کنکور امسال سمپاد در مکتوب‌های خود، به همین موضوع اشاره دارند که گزینش امسال این چنین بوده است. مدارک موجود کارنامه‌ها حاضر، ولی اثبات ادعای ما «زمان بر» است نه «زمان بُر». به همین خاطر است آنها که بیشتر کم آورده‌اند تاضرب و شتم همکاران ستادی هم پیش آمدند و اگر صبغه فرهنگی سمپاد نبود اکنون به جرم تهاجم محکوم شده بودند.

۱۰. براساس موارد ذکر شده و همانطور که در ادامه گزارش می‌آید، سمپاد امسال با یک چالش بنیادین در کنکور ورود به مراکز راهنمایی روبرو شد. تغییر و جایجایی تعدادی از گزینه‌ها قبل از تایپ نهایی، جهت هدایت نکردن دانش آموز به پاسخ، در ۴ مورد، در کلید تصحیح وارد نشد و ۲ سؤال هم دو گزینه نزدیک به صحیح داشتند. منتها مشکل ما این بود که نتایج بر روی

سایت قرار گرفته بود و تغییرات، این تداعی را به وجود می آورد که سمپاد زیر فشار بیرونی برخی از مشکلات را حل کرده، و در واقع کنکور امسال یک سوم سؤالاتش با مشکل روبرو بوده است!

۱۱. رها از «سونامی وحشتناکی» که این تصحیح مجدد ۱۹۵۰۰۰ کارنامه بر سرمان فرو می ریخت، گزینه «اعتراف به خطا» را پذیرفتیم. کلید ۴ سؤال را تصحیح کردیم (نه اینکه ۴ سؤال غلط را اصلاح کردیم) و دو سؤال با گزینه‌های نزدیک را هم حذف کردیم و در فرصتی ۳ روزه، ۷۳۲ نفر را بر قبولی‌های قبلی افزودیم. اما دو روز بعد کارشناسان دیگری در یک بررسی عجولانه چند ساعته بدون اینکه مبانی طرح سؤالات را از تهیه کنندگان به پرسند سازمان بازرسی کشور را قانع کردند که ۱۶ سؤال دیگر کنکور سمپاد غلط است و این آغاز تهاجم گسترده رادیو-تلویزیونی و مطبوعاتی در هفته بزرگداشت معلم، به سمپاد شد. که تا نیمه خرداد ۱۳۸۷ بر طبل آن کوبیدند.

۱۲. این فشارها فقط توانست سمپاد را قانع سازد که از مرز برش قبولی‌ها (با وجود بیش از دو برابر بودن اسامی در مقابل افراد مورد نیاز) ۷۷۶ نفر دیگر را به لیست پذیرفته شدگان خود بیفزاید. این امر در تاریخ سمپاد بی سابقه بود در ضمن سمپاد به شدت مخالف این امر بود که اسامی حدود ۷۰۰ نفر که بدون داشتن صلاحیت قبولی در مرحله اول، اسامی آنها اعلام شده بود، خط بخورد. چون خود به خود در مرحله دوم بدون داشتن هیچ مزیتی، در صورت ضعیف بودن حذف می شدند.

۱۳. همین دلایل بود که ریاست «سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی درسی» را قانع ساخت تا حکم بلامانع بودن برگزاری مرحله دوم کنکور ورود به مراکز راهنمایی را بر خلاف رأی عجولانه و فتنه برانگیز کارشناسان سازمان پژوهش صادر کند. در روز برگزاری آزمون نیز، وزیر محترم آموزش و پرورش از یکی از حوزه‌های این آزمون بازدید کردند.

۱۴. تنها مسئله باقی مانده، اعلام نتایج بود، که معمولاً در اوایل تیرماه هر سال اعلام می شد، و قراری که با «دیوان عدالت اداری» برای رسیدگی به دعوی معترضان که از «سازمان بازرسی کل کشور» به دیوان، به خصوص شعبه ۳ آن ارجاع داده شده بود گذاشتیم.

۱۵. اعلام متوقف شدن نتیجه کنکور مرحله دوم بر روی سایت «دیوان عدالت اداری» و نقل آن با تیتربزرگ در چند روزنامه صبح و عصر، نمی توانست دلداری برای رددشگان باشد؛ بلکه اضطراب هزاران خانواده پذیرفته شده در مرحله اول را در پی داشت و اینکه تمام تلفن‌های سمپاد روزهای پی در پی اشغال این امر شده بود.

۱۶. ریاست سمپاد در جلسه پنجشنبه ۹ خرداد ۱۳۸۷ این گله ارزشی را از ریاست «دیوان عدالت اداری» نمود، که ایجاد التهاب چه نتیجه‌ای می‌تواند داشته باشد. فقط به نظر می‌رسید یک هشدار به ما بوده است.

۱۷. در ۱۳ خرداد ۱۳۸۷ کلیه شبکه‌های سیما مصاحبه با ریاست «سازمان بازرسی» را پخش نمودند که اضطرابی سنگین را برای قبولشدگان مرحله اول در پی داشت. ایشان در دیدار با ریاست سمپاد، این مصاحبه را بدون سوگیری و عادی اعلام نمودند. هر چند از نظر سمپاد طوفان‌زا بود.

۱۸. بالاخره در ۲۲ خرداد ۱۳۸۷ با زمانی دو برابر زمان توافق شده با «دیوان عدالت اداری» اسامی معترضین (حدود ۴۰۰ نفر) به سمپاد ارسال شد. در بررسی اولیه مشخص شد تعداد خیلی از فرزندان اولیاء معترض، کف امتیاز آنها نزدیک به کف قبولی اعلام شده است. لذا اصرار آنها بر لغو کنکور مرحله اول «کاملاً منطقی!!!» بود. معترضین به صورت لیست‌های مشخص از مدارس غیر انتفاعی شناخته شده چند شهر بزرگ مانند اهواز، مشهد، یزد، شیراز، کرمان و اصفهان بودند.

۱۹. براساس اطلاعات ارائه شده توسط طراحان سؤالات سمپاد مشخص شد اعلام نظر شتابزده کارشناسان سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزش و پرورش - بخش دفتر برنامه‌ریزی و تدوین کتب درسی (هر چند از سوی اولیای معترض از اینکه موفق به بازداری روند عادی کنکور سمپاد شده بودند، مورد تشویق کتبی قرار گرفتند)، چقدر فاصله دار با انتظاری که از آنها می‌رفت بود. به خصوص اظهار نظر «گروه ریاضی» در باره سؤالات «علوم تجربی».

۲۰. وقتی این سرمقاله را می‌خوانید، نتایج کنکور ورود به مراکز راهنمایی سمپاد اعلام شده است. معدودی از قبول نشده‌ها، به خصوص آنها که فریب وعده‌های شرکت‌های «مضار به‌ای - دوپینگی» کنکورهای سمپاد را خورده‌اند، به سمپاشی‌ها ادامه خواهند داد. آنها که پس از مصاحبه ۱۳ خرداد «رئیس سازمان بازرسی» در برخی از استانها به اولیاء زنگ زدند که بشتابید کنکور سمپاد لغو خواهد شد، برای کنکور جدید آماده شوید. هر چند برخی روزنامه‌های کم‌اثر در پشت سر نام ذکر نشده‌ای این موضوع را مطرح کردند که کنکور سمپاد حساب و کتاب ندارد، «نور چشمی» دارد، «سفارشی» دارد. ولی آنها هم وقتی با وجدان خود خلوت کنند شرمندۀ این تهمت‌ها خواهند بود، اگر «وجدانی» برایشان مانده باشد.

رضا به داده بده و زجبین گره بگشا که بر من و تو در اختیار نگشوده است «حافظ»

موفق باشید

سر دبیر

استعدادهای درخشان ۶۵ / مقدمه ۷

